

دفاع از مظلوم از منظر نهج البلاغه

نگین علی اکبری^۱، زینب نصیری زرنندی^۲

^۱ کارشناسی علوم تربیتی، آموزگار شاغل در منطقه افشار

^۲ کارشناسی علوم تربیتی، آموزگار شاغل در منطقه افشار

چکیده

ظلم و ستم امری نکوهیده و مخالف فطرت انسانی و بشری است. در دین اسلام نیز همواره به جهاد و مبارزه علیه ظلم و ستم دعوت شده است. همین طور ائمه اطهار علیهم السلام و به ویژه امام علی علیه السلام در سخنان خود به این مورد اشاره کرده اند. قسط و عدل و دشمنی با ظلم و ظالم موضوعاتی است که در فرهنگ اسلامی و در قلمرو معارف نهج البلاغه اهمیتی خاص دارد و بخش عمده‌ای از گفتارها و نوشتارهای امام (علیه السلام) در نهج البلاغه - به طور مستقیم یا غیر مستقیم - به بحث مزبور مربوط می‌شود. نهج البلاغه کتابی حیات بخش و ارمغانی الهی برای جامعه بشری است شدت علاقه‌ی حضرت به مساله‌ی عدالت و سعی بلیغی که در اجرای آن داشته است، باعث شده که تمام عمر پر برکتش را در راه بسط و برقراری آن به کار گیرد و سرانجام نیز جان پاکش را در راه آن فدا کند. چنانکه که بسیاری معتقدند ایشان صرفاً به دلیل اجرای عدالت در محراب به شهادت رسیده است. در این مقاله سعی گردیده که به تحلیل و بررسی فرمایشات حضرت علی علیه السلام در باب مبارزه با ظلم و دفاع از مظلوم پرداخته و کاوشی در این دریای عمیق عرفان و معرفت صورت گیرد. باشد که از پیروان حقیقی آن حضرت و از جهادگران عرصه‌ی مبارزه با ظلم و ستم باشیم.

واژه‌های کلیدی: نهج البلاغه، دفاع، عدالت، ظلم

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. مقدمه

اساس جهان آفرینش بر عدل و حق پایدار است، و اجرای عدالت، ضروری ترین نیاز هر جامعه است. امام علی برای عدالت جایگاه محکمی در تنظیم حیات اجتماعی انسان قائل است. امام حکومت منهای عدالت را چندان پست و بی ارزش می شمارد. ایشان عدل و حق را ملازم یکدیگر می شمارد و در کلام و مواظ خود به هر دو توجه می کند و تحقق هر یک را بدون دیگری امکان پذیر نمی داند و ایشان حق را اعم از حقوق الهی و حقوق انسان ها می شمارد. بحث عدالت و ظلم در منظر امام علی(ع) از گستردگی و عمق ویژه ای برخوردار است.

مطالعه در تاریخ حکومت علوی و سیاست هایی که آن حضرت در مقاطع مختلف به کار بسته است به خوبی نشان می دهد که امیرالمؤمنین(ع)، تنها آسیبی را که در مواجهه با آن هرگز تسامح و مامشات نکرد و با مبارزه دلیرانه با آن همه حوادث و ناملایمات سیاسی را به جان خرید و سرانجام جان خویش را برای آن ایثار کرد، اصرار و ابرام بر رعایت عدالت بود. عشق عمیقی که علی علیه السلام نسبت به مردم دارد، او را وادار می سازد که با ستمکاران و بدخواهان، سازش نکند. ایشان در مبارزه با ظلم و ستم هرگز سست و خسته نگردید به هیچ وجه عقب نشینی هم ننمود و در قلب امام از مهر و عاطفه انسانی تا آن مقدار وجود داشت که ضامن پایداری وی در نبرد به خاطر حق و بر ضد باطل می شد و ضامن نیروی وی بر رهبری پیکار می گشت.

این مقاله، بر آن است که با تکیه بر کتاب شریف نهج البلاغه به مرور و بررسی اجمالی فرمایشات آن حضرت در باب ظلم و مبارزه با آن بپردازد.

۲. پیشینه تحقیق:

یکی از عوامل پیشرفت کشورهای متمدنی دنیا، بازنگری جدی در پیدایش و کاربرد ابزار و روش های تحقیقاتی است. در یک نگاه واقع بینانه باید گفت کشورهای پیشرفته با سرمایه های اندک تنها با به کارگیری ابزار و روش های تحقیقاتی شایسته موفقند و ما با وجود برخورداری از ذخایر علوم، اندر خم یک کوچه ایم. مسئله بررسی نهج البلاغه همچون سایر رشته های علمی به یک سری ابزار و فنون ضروری متکی است. پس از انتخاب و یافتن موضوعات ضروری، و کسب تخصص و آگاهی لازم جهت به کارگیری ابزار تحقیق، در مرحله تحقیق و ارزیابی به کتب و مقالات تحقیقی نیازمندیم. تا با استفاده از نتایج پژوهش محققان و مفسران و شارحان نهج البلاغه، به نتیجه مطلوب و دلخواه خود دسترسی پیدا کنیم. (دشتی، ۱۳۸۹)

در این راستا به مقالاتی که مرتبط با موضوع این مقاله است اشاره می گردد:

مرتضی قائمی و ابوالفضل رحمتی در مقاله ای با عنوان "تصویر فنی ظلم در نهج البلاغه" که با هدف بررسی تصویر فنی ظلم و تحلیل محتوایی و بلاغی شواهد آن انجام شده است به ظلم ستیزی در اسلام اشاره می کنند و موارد زیر را از ابعاد ظلم ستیزی می شمارند:

۱- ظلم و ستم حرام است.

۲- کمک به ظالمین نوعی ظلم است. حضرت علی علیه السلام در این باره می فرمایند: «آنکه ستم می کند و آن که او را کمک می کند و آن که به ستم راضی است هر سه شریکند.»

۳- دوست داشتن ظالم و تمایل به او ممنوع و از مصادیق ظلم است. «به ستمکاران متمایل نشوید که دچار آتش خواهید شد.» (هود/۱۱۳)

۴- به مظلومین باید کمک کرد: پیامبر اکرم (ص) می فرمایند: «هر که بشنود مردی فریاد می زند ای مسلمان ها به دادم برسید، و پاسخ ندهد مسلمان نیست.»

هم چنین آن ها به این نکته اشاره می دارند که محور عدالت خواهی از محور های اصلی در کتاب شگرف نهج البلاغه می باشد.

غلامحسن اصلاحی در مقاله ای با عنوان " عدالت و عدالت محوری در نهج البلاغه" به خطبه ۲۱۶ نهج البلاغه اشاره می کند که عدل همواره موجب گشایش و رفع فشارها و حل مشکلات می شود، و هرکس که از اجزای عدالت احساس فشار و سختی می کند، یقیناً ظلم و جور فشار و سختی بیشتری برای او به همراه خواهد داشت. هم چنین امام علی علیه السلام می فرماید: «در ظلم هیچ جایگزینی برای عدالت وجود ندارد» و ظلم هیچ گاه به نفع جامعه نخواهد بود. امیرالمومنین (ع) به فرماندارش توصیه می کند که: «سعی کن تا بهترین کارها در نزد تو آن اموری باشد که به حق نزدیکتر و از نظر عدالت، عمومیت و شمول بیشتری داشته باشد.»

۳. مفهوم شناسی عدل و ظلم

عدالت و ظلم دو محور متضادند که در همه سیستم های سیاسی مورد توجه قرار گرفته و عدالت، هدف غایی تمامی تلاش های فکری و اجرایی را در عرصه سیاست و حکومت تشکیل می دهد. عدل و ظلم از پر کاربردترین مفاهیم به ویژه در حوزه حقوق و اخلاق است. مهم ترین معانی لغوی عدل عبارتند از: تساوی، برابری، رعایت حد وسط در امور، در مقابل ظلم. (ابن فارس، ص ۲۴۶) عدل همچنین به معنای «رعایه الحقوق و إعطاء کل ذی حق حقه» است. (مکارم شیرازی، ص ۸۲)

شهید مطهری در تعریف مساوات می نویسد: «مفهوم مساوات این است که استحقاق های طبیعی و واقعی در نظر گرفته شود و به هر کس مطابق آنچه به حسب کار و استعداد لیاقت دارد، داده شود. اگر مساوات را به معنای برابری افراد در پاداش ها و نعمت ها و موهبت های اجتماعی بگیریم این اولاً شدنی نیست، ثانیاً ظلم و تجاوز است و موجب خرابی اجتماع می شود، چرا که افراد دارای قوای جسمانی و عقلانی برابری نیستند و با یکدیگر تفاوت دارند. بلکه منظور این است که قانون، افراد را به یک چشم نگاه کند، میان آنها تبعیض قایل نشود و رعایت استحقاق را بکند.» (مطهری، ص ۱۸۸)

ظلم (مصدر عربی) نیز در لغت به معنای وضع شیء در غیر موضع خود، ستم، ستم کردن و بی داد آمده است. (فرهنگ جامع، سیاح، ج ۳ و ۴، ص ۵۵) ابن فارس گفته است: ظلم دارای دو معنی اصولی است: ۱- تاریکی و سیاهی، ۲- چیزی را از ستم در غیر موضوع خود نهادن. (معجم مقابیس اللغة، ابن فارس، ج ۴، ص ۱۸۶) همانطور که شخص در تاریکی چیزی را نمی بیند، در حال ستم کردن هم، مثل اینکه در تاریکی فرو رفته، نمی تواند درک حقیقت کند و بطور کلی می توان گفت ظلم به معنای ستم و گذاشتن چیزی در غیر محل آن است.

در قرآن کریم، مشتقات ماده «ظلم» و «عدل» بیش از سیصد مرتبه به کار رفته است و عدل سفارش و ستایش، و ظلم نهی و سرزنش شده است. ظلم در این آیات، ۴۱ مرتبه از خداوند نفی شده و یک مرتبه نیز فعل خدا با عنوان عدل توصیف شده است: «وَتَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا؛ کلام پروردگارت با صدق و عدل سرانجام گرفته است.»^۱ در اصطلاح قرآن و نهج البلاغه، ظلم تنها به تجاوز فرد یا گروهی به حقوق فرد یا گروه دیگر اختصاص ندارد، بلکه شامل ظلم فرد به نفس خود نیز می شود. هر فسق و فجور، گناه و هر خروج از مسیر درست انسانیت، ظلم است. بنابراین ظلم در حقیقت مفهوم اعمی دارد که هم شامل ظلم به غیر می گردد و هم شامل معصیت و کارهای ضد اخلاقی.

^۱ سوره مبارکه انعام ۱۱۵ آیه

۴. خطبه ۱۷۶ نهج البلاغه و اقسام ظلم

امام علی (ع) ظلم را به سه دسته تقسیم می‌کند و می‌فرماید:

«أَلَا وَإِنَّ الظُّلْمَ ثَلَاثَةٌ: فَظُلْمٌ لَا يُغْفَرُ وَ ظُلْمٌ لَا يُتْرَكُ وَ ظُلْمٌ مَغْفُورٌ لَا يُطْلَبُ؛ فَأَمَّا الظُّلْمُ الَّذِي لَا يُغْفَرُ فَالشِّرْكُ بِاللَّهِ، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ»، وَ أَمَّا الظُّلْمُ الَّذِي يُغْفَرُ فَظُلْمُ الْعَبْدِ نَفْسَهُ عِنْدَ بَعْضِ الْهِنَاتِ، وَ أَمَّا الظُّلْمُ الَّذِي لَا يُتْرَكُ فَظُلْمُ الْعِبَادِ بَعْضِهِمْ بَعْضًا، الْقِصَاصُ هُنَاكَ شَدِيدٌ لَيْسَ هُوَ جَرْحًا بِالْمُدَى وَ لَا ضَرْبًا بِالسَّيَاطِ وَ لَكِنَّهُ مَا يُسْتَصْعَرُ ذَلِكَ مَعَهُ، فَإِيَّاكُمْ وَ التَّلَوْنَ فِي دِينِ اللَّهِ فَإِنَّ جَمَاعَةً فِيمَا تَكْرَهُونَ مِنَ الْحَقِّ خَيْرٌ مِنْ فُرْقَةٍ فِيمَا تُحِبُّونَ مِنَ الْبَاطِلِ، وَ إِنَّ اللَّهَ سَبْحَانَهُ لَمْ يُعْطِ أَحَدًا بِفُرْقَةٍ خَيْرًا مِنْ مَضَى وَ لَا مِمَّنْ بَقِيَ»

آگاه باشید که ظلم بر سه نوع است: ظلمی که آمرزیده نمی‌شود و ظلمی که بازخواست می‌شود و ظلمی که آمرزیده شده و بازخواست ندارد. و اما ظلمی که آمرزیده نمی‌شود، شرک به پروردگار است. چنانکه حق تعالی می‌فرماید: «همانا خدای کسی را که به او شرک ورزد، نمی‌آمرزد». و اما ظلمی که آمرزیده می‌شود، ظلم بنده است نسبت به خویشتن، به هنگام انجام گناهان صغیره. و نیز ظلمی که بازخواست می‌شود، ظلم بنده‌ای نسبت به بنده‌ی دیگر است. قصاص و تلافی - چنین ظلمی - در آخرت سخت و دشوار می‌باشد و قصاص اخروی به وسیله زخم کاردها و ضربت تازیانه‌ها نیست. قصاص در آخرت چنانست که زخم و تازیانه در برابر آن بسی کوچک شمرده می‌شود.

از دیدگاه حضرت تنها ظلمی که بازخواست می‌شود و قابل بخشش نیست، ظلم بنده است به بنده‌ی دیگر. لذا امیرالمومنین علیه السلام بارها بر این امر و دوری از ظلم به مردم و مظلومان تاکید داشته‌اند.

۵. مبارزه با ظلم و دفاع از مظلوم

امام در راه برپایی عدالت اجتماعی و گرفتن حق مظلومان از ستمگران کوچک‌ترین مسامحه و سازشکاری نداشت و از رنجش ظالمان و ناراحتی جنایتکاران بی‌می‌داد و این اصل را با کمال صراحت اعلام فرمود: «خدا را سوگند که آن چنان داد مظلوم از ظالم بستانم و بر ستمگر تنگ بگیرم تا در مسیر حق قرار گیرد و آن را بپذیرد، اگر چه ناخشنود باشد». (نهج البلاغه، خطبه ۱۳۶)

در تاریخ آمده است که یکی از خلفا قسمتی از اموال عمومی مسلمین را در دوره خلافتش در اختیار خویشاوندان و نزدیکانش قرار داد، بعدها که علی (ع) زمام امور را به دست گرفت از آن حضرت خواستند که کاری به گذشته نداشته باشد، بلکه کوشش خود را محدود کند به حوادثی که از این به بعد که در زمان خلافت خودش پیش می‌آید، اما او جواب داد: «الحق القديم لا یبطله شیء؛ حق کهن به هیچ وجه باطل نمی‌شود.» و فرمود: «به خدا قسم اگر با آن اموال برای خود زن گرفته یا کنیزکان خریده باشند باز هم آن را به بیت المال برمی‌گردانم.»

امیرمؤمنان علیه السلام، آن اسوه کامل عدالت و مبارزه با ظلم می‌فرماید: «به خدا سوگند اگر شبی را بر روی خارهای سندان به سر ببرم یا با غل و زنجیر به این سو یا آن سو کشیده شوم، خوش تر دارم تا خدا و پیامبرش را در روز قیامت، در حالی ملاقات کنم که به بعضی از بندگان ستم کرده باشم یا چیزی از اموال عمومی غصب نموده باشم. راستی چگونه بر کسی ستم کنم برای نفس خویش، که به سوی کهنگی و پوسیده شدن پیش می‌رود و زمانی طولانی در خاک اقامت می‌کند»

هم چنین ایشان در سخنی می‌فرمایند که: «فان فی العدل سعة و من ضاق علیه العدل فالجور علیه اذیق؛ همانا در عدالت گنجایش خاصی است، می‌تواند همه را در برگردد و در خود جای دهد، و آن کس که بیمار است و در عدالت نمی‌گنجد باید بداند که جایگاه ظلم و جور تنگ‌تر است.» (همان، خطبه ۱۵). یعنی عدالت چیزی است که می‌توان به آن به عنوان یک مرز ایمان نگریست و به حدود آن راضی و قانع بود، اما اگر این مرز شکسته و این ایمان گرفته شود و پای بشر به آن طرف مرز برسد دیگر حدی برای خود نمی‌شناسد؛ به هر حدی که برسد به مقتضای طبیعت و شهوت سیری ناپذیر خود تشنه حد دیگر می‌گردد و بیشتر احساس ناراضی می‌نماید.

در فرهنگ علوی ظلم از ناحیه هر کس و بر هر کس و در هر کجا، محکوم و مذموم است و باید با آن مقابله شود. ولی مهم‌ترین عامل ظلم و بزرگ‌ترین خطر آن است که انسان خود آگاهانه یا ناآگاهانه بر دیگران ظلم کند. انسان به آسانی نمی‌تواند ستمگریهای خویش را کنترل و نفس سرکش خود را مهار کند و شاید راز اینکه مبارزه با نفس آماره جهاد اکبر نام گرفته همین حقیقت است. علی علیه السلام در نامه تربیتی به فرزند خویش یادآور می‌شود: «يَا بُنَيَّ... وَ لَا تَظْلِمُ كَمَا لَا تُحِبُّ أَنْ تُظْلَمَ؛ ای فرزندانم، همچنان که دوست نداری مورد ستم قرارگیری، بر دیگران ستم روا مدار.» (همان، نامه ۳۱)

امیرالمؤمنین علیه السلام در نامه به مالک اشتر، اهمیت خودسازی و تربیت اخلاقی و تهذیب نفس برای مدیران و نظارت دقیق بر اطرافیان را چنین گوشزد می‌کند: «أَنْصِفِ اللَّهَ وَ أَنْصِفِ النَّاسَ مِنْ نَفْسِكَ وَ مِنْ خَاصَّةِ أَهْلِكَ وَ مَنْ لَكَ فِيهِ هَوَى مِنْ رَعِيَّتِكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ تَظْلِمُ وَ مَنْ ظَلَمَ عِبَادَ اللَّهِ كَانَ اللَّهُ خَصْمَهُ؛ (۱۴) حق خدا و حق مردم را از خود و وابستگان (سببی و نسبی) خود و افراد محبوب و مورد علاقه خویش باز ستان، زیرا اگر چنین نکنی دستت به ظلم آلوده خواهد شد. و کسی که بر بندگان خدا ظلم کند خداوند دشمن او خواهد بود.» (همان، نامه ۵۳)

از دیدگاه علی علیه السلام ستمگری و ستم ستیزی هر دو محکوم و منفور است و اگر انسان در یک دو راهی قرار گیرد که یا ظالم باشد یا مظلوم، اینجا ترجیح می‌دهد که مظلوم باشد؛ ولی خود به دیگران ستم نکند.

با توجه به سخن مولا که در جایی دیگر می‌فرماید: «أَقْدَمُوا عَلَى اللَّهِ مَظْلُومِينَ وَ لَا تَقْدَمُوا عَلَيْهِ ظَالِمِينَ؛ مظلومانه بر خداوند وارد شوید ولی ظالمانه در پیشگاه خداوند حضور نیابید.» (همان، خطبه ۱۵۱)

در نهج البلاغه است که از ایشان در مورد برتری عدالت بر جود پرسیدند، فرمود:

«العدل يضع الامور مواضعها و الجود يخرجهما من جهتها. و العدل سائس عام و الجود عارض خاص، فالعدل اشرفهما و افضلهما؛ عدل، جریان کارها را در مجرای طبیعی خود قرار می‌دهد، اما جود، آنها را از جهت طبیعی خود خارج می‌کند. عدل، راهبر و پاسدار همگان است ولی جود، فقط سود به کسی می‌رساند که به او بخشش شده است، پس عدالت شریفتر و برتر است.» (همان، خطبه ۸۷)

۶. نتیجه‌گیری

حکومت دینی آرمان‌های گسترده‌ای را دنبال می‌کند. در این نوع حکومت، سعادت اخروی به سعادت دنیوی ضمیمه می‌شود و تامین نیازهای مادی و معنوی در حوزه آرمان‌های حکومت قرار می‌گیرد. حکومت اسلامی باید دفاع از مظلوم را سرلوحه امور خویش قرار دهد. آنچه مهم است این است که باید در جامعه نسبت به ظلم و انواع آن، آگاهی‌ها و معارفی آموزش داده شود. همانطور که مردم قوانین رانندگی را می‌دانند و نسبت به آن آگاه هستند، این چنین آگاهی‌هایی باید در باب ظلم از همان دوران مهم شکل‌گیری شخصیت‌ها به مخاطبین جامعه اسلامی آموخته شود. آگاهی به خودی خود امری شایسته و نیک است لذا هر چه این معرفت‌ها در جامعه بیشتر شوند، مردم نسبت به رعایت حقوق یکدیگر درایت بیشتری خواهند داشت. در این بین وظایف ما معلمین از سایر اقشار جامعه پر رنگ تر خواهد بود. در این جمع بندی به سخنان رهبری جامعه اسلامی اشاره می‌گردد:

امروز شما ملاحظه می‌کنید که دنیا، دنیای مبارزه‌ی دو جانبه است. یک طرف، قدرتمندان و قوی پنجه‌های جهان قرار دارند و یک طرف ملتهای مظلوم و مستضعف. چنین مبارزه‌ای، امروز جریان دارد. مبارزه‌ی واضحی است؛ مبارزه‌ی پر مرارتی است؛ مبارزه‌ای است که در آن، قدرتمندان، انواع و اقسام کارهای خلاف را هم انجام می‌دهند و ملتهای مظلوم واقع می‌شوند. دستهای پلید قدرت، دنیا را از ظلم و جور پر کرده‌اند. ظلمشان تمام زوایای عالم را گرفته است. این ظلم - ظلم جهانی - از سوی مستکبرین و قلدراهای عالم، تکلیفی را روی دوش ما می‌گذارد. آن تکلیف چیست؟ مبارزه با ظلم. کار ملت ما مبارزه با ظلم و جور و بی‌عدالتی و حق‌کشی و مردم‌کشی است. چگونه می‌شود این مبارزه را انجام داد؟ این مبارزه را با دست خالی از سلاح، شاید بشود انجام داد؛ اما با دست خالی از علم و معرفت و ایمان، نمی‌شود. با بیکاری و بیهودگی و هرزگی - خدای ناکرده -

نسل‌های رو به رشد، نمی‌شود انجام داد. این مبارزه را با هشیاری کامل، با ایمان کامل، با تلاش همه جانبه از سوی قشرها - مخصوصاً قشرهای جوان و نوجوان - باید انجام داد و این، وظیفه‌ی معلمین است.

مراجع

۱. جعفری، محمدتقی (۱۳۹۳). اهمیت انسان بطور عام از دیدگاه علی(ع) و وحدت و برادری نوع بشر. شماره ۴۱ (علمی-پژوهشی). از ۱۱ تا ۲۴.
۲. دشتی، محمد (۱۳۸۹). ابزار و اطلاعات مقدماتی تحقیق در نهج البلاغه. قم: موسسه امیرالمومنین، چاپ سوم.
۳. کمالی، علیرضا (۱۳۹۶). بررسی اهداف حکومت دینی از دیدگاه نهج البلاغه. شماره ۵۴ (علمی-پژوهشی). از ۱۱۳ تا ۱۳۴.
۴. نوایی، علی اکبر؛ سید موسوی، سید حسین (۱۳۹۰). ساختار حکومت در نهج البلاغه. شماره ۲۴۶. از ۱۷۱ تا ۱۹۴.
۵. نهج البلاغه، ترجمه سید جعفر شهیدی (۱۳۹۴). نشر شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ سی و سوم.
۶. قائمی، مرتضی؛ رحمتی، ابوالفضل (۱۳۹۴). تصویر فنی ظلم در نهج البلاغه. فصلنامه نهج، شماره ۴۷، از صفحه ۱۴۵ تا ۱۷۰.
۷. ابن فارس، ابوالحسین. (۱۳۹۹.ق) معجم مقابیس اللغه، نشر دارالفکر، ج ۴، ص ۲۴۶.
۸. مطهری، مرتضی (۱۳۸۹). اسلام و نیازهای زمان، نشر صدرا، ج ۱، چاپ سی و یکم.
۹. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۷). پنجاه درس اصول عقائد برای جوانان، نشر نسل جوان، چاپ بیستم.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی